payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۶۲۸
دوشنبه / ۲۶ خرداد / ۱۳۹۹
۲۳ / شوال / ۱۴۴۱
15 / June/ 2020

صاحب امتیاز موسسه همکاران اندیشه زمان
مدیر مسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۲۴۴۳ - ۰۲۶ فکس ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

من و پنجره

رفتی و در فراق تو، سخت خرابه حال من
نمی‌روی، نمی‌روی، چرا تو از خیال من

به هر طرف که میروم، نمی‌روی ز چشم من
همیشه میخزی درون برگه‌های قال من

بدون تو نمی‌شود، بدون تو نمی‌توان
کجایی ای تمام من، کجایی ای کمال من

بیا دوباره ای گُلم، که تنگ تنگه این دلم
نباشی اگر کنار من، بخشکد این نهال من

تویی تویی قرار من، تویی تویی بهار من
بار دهد زِ بارش‌ات، مرخبت شمرِ کال من

روا نباشد ای حبیب، جفا بر این شکسته دل
نظر نما طبیب من، به قامت هلال من

نباشد انتها بر این، خزان رنگ و روی من
بیا بیا به کلبه‌ام، تو ای همه جلال من

من و دو چشم خسته‌ام، کنار قاب پنجره
نمی‌شود بدون تو، ستخر، شب ملال من

رعنا یغموری

از تمام خوانندگان پیام آشنا می‌خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS

خط ۴۲

امروز با حافظ

و از برای صید دل در گردنم زنجیر زلف
چون کمند خسرو مالک رقاب انداختی
داور دارا شکوه‌ای آن که تاج آفتاب
از سر تعظیم بر خاک جناب انداختی
نصره الدین شاه یحیی آن که خصم ملک را
از دم شمشیر چون آتش در آب انداختی

خوش

یار و همسر نگرفتم که گرو بود سرم
تو شدی مادر و من با همه پیری پسرم
تو جگر گوشه هم از شیر بریدی
و هنوز
من بپچاره همان عاشق خونین جگرم

شهریار

اذان کرج

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۲	۰۵:۴۸	۱۳:۰۵	۲۰:۲۲	۲۰:۴۳

برگه

آرزو دارم روزی این حقیقت به واقعیت مبدل شود که همه‌ی انسان‌ها برابرند.

مارتین‌لوتر کینگ

یادداشت

بازسازی خانه رهبر دوم نهضت جنگل را هکاری برای تأسیس موزه روستایی طالقان

شاید باورش سخت باشد، ولی روزگاری مردمان شهرستان طالقان به همراه بارهای خود با عبور از گردنه کوه هدا با پای پیاده طی یک روز و نیم به گیلان می رسیدند آنچنان که از رهگذر همین مطالبه مرد دوم جنگل از خطه طالقان برخاسته است.

آزادگی و استقلال دو واژه آسمانی برای مردمان ایران زمین است آن چنان که در طول تاریخ با باور به این اصل، زیسته اند جهاد کرده اند. شهید داده اند و نهایت آن که حماسه ها آفریدند.

در میان حماسه آفرینان عرصه آزادی و استقلال، نام میرزا کوچک خان جنگی به عنوان رهبر مبارز جنگل علیه انگلیسی های متجاوز دوران خود نمونه بارز این مطالب است.

با این وصف، آنانی که نام «ابراهیم حشمت طالقانی» را شنیده اند به خوبی می دانند که او از یاران شاخص میرزا کوچک خان جنگی است که در راه آزادی به شیوه مسلحانه از نبرد مسلحانه روی آورد و نام مردم دوم جنگل را از آن خود کرد

قریب صد و یک سال سال از شهادت او و دگر همرزمانش می گذرد و همچنان نام نهضت هیئت جنگل موسوم به هیئت اتحاد اسلام، زیادترد طالقانی ها و گیلانی ها است و همین ارتباط پویا و جاری مردمان این دو خطه در رهگذر تاریخ است که ضرورت بازنگری به مشاهیر و مفاخر را برای نسل امروز ایجاب می کند.

دکتر ابراهیم حشمت در روستای شهراسر از توابع شهرستان طالقان چشم به جهان گشود. دوره طب را در دارالفنون گذراند و پس از آن به دلیل علاقه به مسائل سیاسی در دوران قرائت در مدرسه سیاسی تحصیل کرد.

ایده تشکیل نهضت جنگل اول بار در سال ۱۲۹۳ توسط میرزا کوچک خان در شهر لاهیجان با ابراهیم حشمت در میان نهاده شد و این سرتصلی بود تا قرمانده مجاهدان جنگل در شرق گیلان و در مرکز لاهیجان باهست حشمت طالقانی شکل گیرد.

اواخر سال ۱۲۹۷ بود که نهضت جنگل با وجود موفقیت های آغازین در برابر متجاوز گران انگلیسی محبوریت لاهیجان خنده‌ای بیش نیست. همینطور هم شد. دکتر حشمت را در سن ۳۴ سالگی پس از شکنجه های قراوران در شهر رشت به دار آویختند.

پس از گذشت یکسال، میرزا کوچک خان که همچنان نهضت را دامه داده بود بر سر مزار همرزم خود حاضر شد و او را شهید بزرگ قیام جنگل نامید و وعده انتقام خون او را داد

«دکتر ابراهیم حشمت طالقانی» به عنوان یکی از مفاخر و مشاهیر استان البرز است که جای آن دارد که حداقل منزل پدری که در روستای شهراسر طالقان که تا دهه هفتاد یلرجا بود و اینک مبدل به یک ویرانه شده است با همت مرکز البرزشناسی و مسؤولان استان، بازسازی و نگهداری شود.

قریب به یقین، جنانچه اداره کل میراث و گردشگری استان البرز همت کند و این خانه ۲۰۰ ساله را بازسازی نماید، این مهم می تواند فرصت تاسیس یک موزه روستایی با رویکرد معرفی نهضت جنگل در طالقان باشد.

مهدی آهنگری
عضو پژوهشکده مطالعات و تحقیقات طالقان شناسی

دیدگاه

غفلت از منابع اصلی اسیر کلیشه‌ها

تاریخ‌نگاری ایرانی تا پیش از دوران تجدد، سابقه‌ای کهن و غنی هم از حیث کمیت و هم از منظر کیفی دارد. اگرچه بسیاری درباره کوتاه‌مدتی جامعه ایرانی و ناپایداری شرایط سیاسی و اجتماعی و فقدان تداوم فرهنگی و از میان رفتن قراوان میراث گذشتگان بسیار سخن می‌گویند، با قراوان درباره نتوشتن و شفاهی بودن و قلت و اندکی آثار مکتوب در تاریخ و فرهنگ ما حرف به میان می‌آید.

اتهام رایج دیگر به تاریخ‌نگاری سنتی و پیشامدرن ما این است که عموم آن آثار با ویژگی‌ها و رویکردهای خاص و مشخص نگاشته شده‌اند، یعنی برای مثال مشهور است که آثار تاریخی پیشین ما اولاً عموماً تاریخ شاهان و قرماندهان و سلسله‌ها و حکومت‌ها و سیاستمداران هستند تاثیا بسیار سوگیرانه و با جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی مشخص نوشته شده‌اند زیرا معمولاً نوسط مورخان و راویانی اجیرشده در دربارها و به منظور کتابت و روایت تاریخی در جهت اهداف و سیاست‌های قاآن دربار یا سلسله خاص مکتوب شده‌اند و ثالثاً روایت این آثار عموما تقدیرگرایانه و به‌شدت قضا و قدری است، یعنی در توضیح رخدادها و وقایع و حوادث تاریخی به جای آنکه تبیین‌های عقلانی و دلایل خردپسندانه ذکر شود، از ادبیه‌های دترمینیستی (جبرگرایانه) بهره گرفته می‌شود.

آنچه آمد تنها برخی مفروضات و گزاره‌های تثبیت‌شده به صورت کلیشه و دیدگاه قالبی است که معمولاً در میان اصحاب علوم اجتماعی درباره کتاب‌ها و آثار تاریخی گذشته در اذهان شکل گرفته و به صورت احکامی جزمی و بدون نقد و تأمل، از سوی ایشان همه جا تکرار می‌شود. اما واقعیت آن است که دربازه هر یک از ادعاهای قبق می‌توان چون و چراهای اساسی مطرح کرد و بهترین طریق این کار نیز، رجوع مستقیم به اصل آثار و بازخوانی و مطالعه دقیق آنهاست. بسیاری از این مفروضات تکراری در نتیجه عدم مراجعه مستقیم به این آثار و تکرار و اتکا به نوشته‌ها و سخنان پیشینیان است و پیامد اصلی‌شان هم مسلامت و دامن‌زدن به جویی رغبتی در میان پژوهشگران جوان در مراجعه به متون اصلی است.

اولاً شمار آثار برخلاف آنچه گفته می‌شود نه فقط کم و محدود نیست که بسیار زیاد است. پس از مشروطه و به ویژه در نیمه نخست قرن چهاردهم شمسی شمار زیادی از پژوهشگران و محققان دانشمند و دلسوز همچون محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی، محمدتقی دانش‌پژوه، سعید نفیسی، مجتبی مینوی، عباس زریاب خویی، محمدتقی بهار، محمدجواد مشکور، عبدالحسین نوایی، جعفر شعار، محمدامین ریاحی، محمد روشن، علی‌اکبر فیاض، محمدجعفر یاحقی، محمدجعفر محجوب، محمدپروین گنابادی، بدیع‌الزمان فروزانفر، ایرج افشار، مدرس رضوی، ابوالفضل خطیب رهبر، محمدرضا شفیعی کدکنی، فتح‌الله مجتبایی و... پا به عرصه گذاشتند که هریک ضمن آشنایی با روش‌ها و رویکردهای نوین آکادمیک، شناختی ژرف از سنت و میراث کهن داشتند و با تلاشی جلفرسا به نسخه‌شناسی و تصحیح و ارائه چاپ‌های انتقادی از برجسته‌ترین آثار تاریخی پرداختند و با گردآوری و کنار هم گذاشتن نسخه‌های خطی گذشتگان کوشیدند آثاری قابل استناد و علمی برای مخاطبان عمومی و حتی متخصص دیگر فراهم آورند.

در سال‌های اخیر متاسفانه شمار این گونه پژوهشگران جامع‌الاطراف و دلسوز و پرتلاش کم شده و چنان که اهل فن می‌گویند، بسیاری از نسخه‌های خطی در گنجینه‌ها و مخازن کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی خاک می‌خورد. عموم محققان جدید نه حال و حوصله سر و کله زدن با نسخه‌های خطی را دارند و نه تخصصی و ترجیح می‌دهند سراغ همان آثار چاپ شده محدود بروند و با استمداد از مفاهیم و نظریه‌های جدید به نظرورزی و تحلیل‌هایی که معمولاً چندان مستند به منابع اصلی نیست بپردازند.

مساله بعدی موضوع رویکرد و ویژگی‌های تاریخ‌نگاری در گذشته است. اتفاقاً مراجعه دقیق و عالمانه به منابع دست اول تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از مفروضات مذکور (سیاسی بودن، نخبه‌گرا بودن و رویکرد قضا و قدری) همیشه درست نیست. قطعاً مورخان گذشته مثل امروز شرایط چند صدایی و قضای دموکراتیک کنونی را تجربه نمی‌کردند و در مقایسه با امروز، شرایط بسیار دشوارتری داشتند. اما با دقت و تأمل در سطر به سطر آثار بزرگانی چون طبری و بیهقی و جوینی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله، در می‌یابیم که نگارندگان این آثار، نه فقط همه جا مقهور و محتوب روایت پیروزی حاکمان زمانه خود نبودند و کارشان صرفاً توجیه به قدرت رسیدن ایشان نبود، بلکه اتفاقاً آنچه آثار ایشان را ماندگار ساخته، نکات انتقادی و تامل برانگیزی است که در لابه‌لای سطور و به دلیل قشارهای آشکار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، با ظرافتی هرچه تمامتر بیان شده است.

امروز و با روش‌ها و رویکردهای نوین تاریخ‌نگارانه می‌توان در میان عموم این آثار، جنبه‌های مغفول و کمتر دیده‌شده را بازیافت و از دل صدها و بلکه هزاران اثر تاریخی برجسته چون تاریخ سیستان و عالم‌آرای عباسی و مجمع‌التواریخ و... نکاتی جذاب در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی استخراج کرد. مهم پیش از هر چیز رویکرد ما به این آثار و نگاه تازه به آنهاست، به عبارت دیگر محقق کوشا می‌تواند با نگاه نوین از دل آن منابع اصلی مذکور، تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی و تاریخ مطرودان و تاریخ زندگی روزمره انسان‌ها و... را استخراج کند.

مفروضات غلطی که درباره آثار تاریخی گذشتگان ما پدید آمده، نتیجه منطقی مواجهه ما با روش‌های تاریخ‌نگاری جدید است. آن نگاه منفی، در گام نخست برای پدید آمدن انگیزه‌ای برای انقلابی در رویکرد به تاریخ، ضروری و بایسته به نظر می‌رسید اما تداوم و تکرار آن نگاه و بدتر از آن غفلت از منابع اصلی به بهانه اینکه تاریخ‌نگاری جدید با تاریخ‌نگاری قدیم متفاوت است، حاصلی جز تکرار مکررات، در غلتیدن به دام کلیشه‌ها و نادیده گرفتن میراثی غنی برای شناخت تاریخ ندارد و مهم‌تر از آن ما را از فهم وضعیت کنونی که اصلی‌ترین هدف تاریخ‌خوانی و تاریخ‌نگاری از نگاه این نگارنده است، بازمی‌دارد.

محسن آزموده

پرونده جراید

آثار نویسندگان سیاه‌پوست پرفروش شد

گاردین- آثار نویسندگان سیاه‌پوست بریتانیایی در سایه اعتراض‌های ضنژادپرستی اخیر و استقبال مخاطبان مواجه شدند.

رمان «خترزن دیگر» نوشته «ترنا بن اوپاسو» که سال گذشته جایزه «وکر» را به دست آورد این هفته در رتبه نخست پرفروش‌ترین رمان‌های جلد کافذی بریتانیا قرار گرفت. به این ترتیب «ترنا بن اوپاسو» به نخستین نویسنده زن رنگین‌پوستی تبدیل شد که این جایگاه را به دست آورده است.

نام «رنی ادوایج» نویسنده و روزنامه‌نگار سیاه‌پوست بریتانیایی نیز این هفته با کتاب «چرا دیگر درباره نژاد با سفیدپوستان صحبت نمی‌کنم» در رتبه نخست پرفروش‌ترین کتاب‌های غیرداستانی جلد کافذی بریتانیا قرار گرفت. «ادوایج» نیز به نخستین نویسنده بریتانیایی سیاه‌پوستی تبدیل شد که به این جایگاه دست یافته است.

آثار «رازاک ایوانا» و «جیسل ایوانا» (رئیس جمهور پیشین آمریکا و همسرش) نیز به همراه «لورین پاسکال»، آشیز سیاه‌پوست بریتانیایی در جدول کتاب‌های غیرداستانی جلد سخت بالاستقبال مواجه شد.

بالافاصله جنبش اعتراضی «جان سیاه‌پوستان مهم است» در سراسر جهان، بسیاری از نویسندگان سیاه‌پوست پرفروش درباره صنعت چاپ تحت سلطه سفیدپوستان انتقاد کردند. روز چهارشنبه، «دوینی کومسان» داستان‌نویس پرتقوش، صنعت چاپ بریتانیا را «محیطی خصومت‌آمیز برای نویسندگان سیاه‌پوست» توصیف کرد که صحبت‌های او حمایت نویسندگان دیگری را نیز به دنبال داشت.

در این بین کارکنان «فارار استوز» از بزرگترین کتابفروشی بریتانیا خواستند تا جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است» را مورد حمایت مالی قرار دهد.

اعتراض‌های ضنژادپرستی در ایالات‌متحده و اغلب شهرهای بزرگ اروپایی پس از مرگ جورج فلوید، شهروند سیاه‌پوست آمریکایی به دست یک مأمور پلیس آغاز شد.

واژه‌های عجیبی که رایج شدند

ایسنا- مسعود جعفری جزه در حالی از دلایلی که سبب دست‌مایه طنز شدن واژه‌های فرهنگستان می‌شود می‌گوید که معتقد است واژه‌هایی که امروزه رایج شده‌اند هم زمانی برای مردم عجیب و غریب بودند.

این عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی در در گفتوگو با ایسنا درباره واژه‌هایی که اخیرا توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی جایگزین شده‌اند و شوخی‌هایی که در فضای مجازی با آن‌ها می‌شود اظهار کرد: ممکن است این مسائل به دلیل نگاهی باشد که به دلایل سیاسی به فرهنگستان وجود دارد و چه دیگر این مسئله هم به وجود بودن این واژه‌ها برمی‌گردد. حتی واژه‌هایی که حالا رایج شده‌اند، وقتی انتخاب شدند، عجیب و غریب به نظر می‌رسیدند. به جز بعضی واژه‌ها اغلب واژه‌ها این طور بودند. به همین علت این واژه‌ها می‌توانند دست‌مایه‌ای برای طنز شوند.

او سپس با اشاره به شوخی‌هایی که از گذشته با فرهنگستان شده است بیان کرد: از قدیم در فرهنگستان‌های اول و دوم هم همین طور بوده است. نمونه معروفش، شوخی‌ها و نوشته‌های صادق هدایت برای فرهنگستان اول است. هدایت لغت‌ها را مسخره کرده و گفته که محال است جا بیفتند. در حالی که آن لغت‌ها حالا رواج دارند مثل شهرداری، دادگستری و... بنابراین این یک روند طبیعی است که چون واژه‌ها تازگی دارند ممکن است برای همه عجیب به نظر بیایند.

جعفری جزه در ادامه درباره برخی ضعف‌های فرهنگستان از گذشته گفت: شاید فرهنگستان هم در قرآیند واژه‌سازی در بعضی جاها خوب عمل نکرده باشد. اشکالی که در بعضی لغت‌ها هست و فرهنگستان‌های قبل هم آن را داشته‌اند این است که وقتی خواستند واژه بسازند به ریشه لغت رفتند. مثلا دیدند که در زبان‌های اروپایی «هومبیل» داریم که «هُتو» یعنی «خود» و «هبیل» یعنی «متحرک». پس «خودرو» ترجمه کردند. این لغت‌ها کمتر جا افتاده و بعضا هنوز هم عجیب و غریب است. حتی «خودرو» هنوز هم جا نیفتاده و مردم ترجیح می‌دهند بگویند «هومبیل». او ادامه داد در مقابل، واژه‌هایی که از گنجینه ادبیات قدیم برداشته شده‌اند، بهتر جا افتاده‌اند مثلا «خبرگزاری» هر شعر دوره خراسانی بوده که هزار سال پیش سروده شده است. همین طور «آتش نشان». اگر بعضی آدم‌ها بودند که مکانیکی نگاهی کردند، احتمالا «آتش جنگ» ترجمه می‌کردند. اما این را از شعر شاعران پیدا کردند. آدم‌هایی که اهل ادبیات کلاسیک باشند می‌توانند حالت مکانیکی واژه‌ها را تعدیل کنند. این استاد دانشگاه در پایان به رسمی بودن فرهنگستان برای مردم اشاره و بیان کرد: تاکید زیاد فرهنگستان بر این که واسطه از تباطش با مردم بیشتر صداوسیما باشد، کارآمد نیست. اگر از راه‌های دیگری از جمله فضای مجازی یا روزنامه‌های کثیرالانتشار و ـ استفاده کنند، مفید تر است. این هم شاید دلیلی باشد که فرهنگستان برای مردم حالت رسمی پیدا کرده است و مردم به آن رسمی نگاه می‌کنند.

یادداشت

تکلیف من با چشم‌هایت روشن نیست

رضا قاسم‌پور

شعر یکی از اسباب مهم تخلیه روحی و روانی است.

مجسمه‌ساز، طراح و نقاش اگر عرق روحی خویش را در قالب هنر مرتبط هویدا می‌کند. نویسندگان و شاعران تیز به معجزه کلمات و روح واژه‌ها پناهنده‌می‌شوند.

باتوان وقتی در کوچه پس‌کوچه‌های شعر پرسه می‌زنند قطعا در مسیر عشق هستند. یکی از شاعران با احساس کرج بانو مرجان مجیدی است. وی دانش‌آموخته مهندسی عمران بوده و شعر را زندگی می‌کند. وجه مشترک سه مجموعه چاپ شده از مرجان مجیدی واژه مرگ و حواشی تلخ و شیرین آن است. به طور اجمالی نظری بر دلنوشته‌های این شاعره جوان و آینده‌دار می‌اندازیم.

اعتراف می‌کنم من مرگم

اولین مجموعه از داستان‌های کوتاه مرجان مجیدی در مجموعه‌های تحت همین نام مشترکا با داستان های حمیدرضا اکبری شروه در سال ۹۰ چاپ شده است. داستان‌های این مجموعه مربوط به دهه هشتاد بوده و تم اصلی داستان‌ها کوچ از زندگی و پرداختن به حواشی مرگ است. انگار جاتمایه داستان ها متأثر از تأثیر و تأثرات زندگی شخصی شاعر بوده و خاتم مجیدی تراوشات روحی و روانی خود را در قالب داستانک و داستان کوتاه پی ریزی کرده است.

وقتی که گروه تفحص موفق شدند استخوان‌ها یی که به من تعلق داشتند و پلاکی که به من تعلق نداشت زنی که هرگز ندیده بودمش را بیوه کرد.

من پیامبری هستم از آن دنیا

مجموعه داستان «من پیامبری هستم از آن دنیا» دومین اثر مرجان مجیدی سال ۹۷ در قطع رقعی در ۷۰ صفحه توسط انتشارات پارلاق قلم به زیور چاپ آراسته شده است.

این مجموعه شامل طرح، داستان کوتاه و داستانک بوده و فضای عمومی مجموعه بوی جنگ آتش‌بس، تصادف، شکار، قبرستان، رجعت و جاده بی‌بازگشت مرگ و تسلیم می‌باشد.

جنگ تمام شد

تمام گردان کشته شدند. جنگ به پایان رسید و هیچ کس به خانه برنگشت

آتش بس

آخرین سرباز تفنگش را زمین گذاشت جنگ تمام شد

مادربزرگ چشم به راه مرد

این مجموعه شعر تیز متبعت از تجربیات شخصی و تراوشات روحی شاعره پر احساس است.

کتاب در قطع رقعی و ۱۳۸ صفحه توسط انتشارات پارلاق قلم در شمارگان ۱۰۰۰ منتشر شده است. یکی از کاستی‌های سه مجموعه فقدان مقدمه است. بهتر است نویسنده تراوشات روحی‌اش را در اختیار صاحب‌نظری بگذارد تا مجموعه تقد شده و با آثار مشابه قیاس گردد.

نقطه مثبت تمام نوشته‌های مرجان مجیدی ورود به شعر از منظر یک بانوست. وی از دریچه مردانه وارد دنیای شعر نشده است، مشکلی که خمیرمایه اکثر شعرای موثث معاصر می‌باشد.

در زیر چند نمونه از اشعار این بانوی شوریده را توزق می‌کنیم امیدواریم امید به زندگی و شور و نشاط، بوی مرگ را در آثار بعدی تحت‌الشعاع خود قرار دهد:

در من زتی غمگین را
به دار آویخته‌اند
از شما چه پنهان
قاضی حکم
خودم بودم

در من آدم‌های زیادی زندگی می‌کنند
کودکی لجباز
که بهانه عروسکش را می‌گیرد
دختری سر به هوا
عاشق
مادری مهربان

دوست دارم پیراهنی که در آن می‌میرم را
تو برایم هدیه آورده باشی
و تصویر آخرم در باد
که در پیراهنم می‌پیچد
و موهایم که باند بودند و متکی و آشفته
و آشفته

از میان زن‌ها
آنها که شاعرترند
زودترمی‌میرند
انگار قلبشان را
با واژه‌های عاشقانه
به مرگ سنجاق کرده‌اند
زیاده منتظرم تا کنار
من زتی شاعرم
که به بوسه‌هایت
عاشق است

بیدار ماندنم
کمبوسعت
که بیوسی‌ام باز

وین قصه کهنه
از اول شود آغاز

با رنگ چشم‌هایت
از بهشت می‌شود توشت
وقتی که اسم اعظم
نام عظیم پروردگار است و
قسمش
به تین و زیتون
که سبز رنگ چشم‌هایت است
و طور سینین
که امن‌ترین سرزمین پروردگار
آکنده از برکت زیتون

و اینک شاد باد
روزی که خداوند
عشق را
مادر فرستاد.

عکس روز

شستشو و ضد عفونی لوازم بازی کودکان و مبلمان شهری در بوستان ها توسط کارگران پرتلاش اداره سیما، منظر و فضای سبز شهرداری هشتگرد